

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ نومبر ۲۰۲۲

"گلبدین" وبه آستانبوسی طالب رفتن!

یکشنبه - ۲ عقرب ۱۴۰۱ - کابل: امروز از طریق رسانه ها مطلع شدیم که وزارت ارشاد و اوقاف نظام ملاسالار طی اعلامیه ای از تمام ملامامان مساجد که نماز جمعه را برگزار و خطبه مربوطه را می خوانند، خواست تا در خطبه نماز جمعه به صحت و سلامتی "امیر غایب" دعای خیر نموده، موفقیت و کامیابی شان را در انفاذ شریعت اسلامی از ایزد متعال استدعا نمایند. هر چند این وزارت ذکر خیر از امیرالمؤمنین را از جمله مستحبات اعلام داشته، مگر واضح است که من بعد، دوام کار خطیب های جمعه، به انجام آن گره خواهد خورد و آنهایی که در خطبه هایشان خواست آن وزارت را برآورده نسازند، حداقل کنار گذاشته خواهند شد. در یادداشت امروز مکت کوتاهی در همین زمینه داریم:

۱- نماز جمعه که از جانب "خمینی" بسیار روشن به نام "نماز سیاسی- عبادی" معرفی شده است، از همان آغاز فرضیت آن در مدینه، بیانگر قدرت مسلمانان و تجدید بیعت همیشگی آنها به اسلام و پیامبر آن بوده، در واقع تربیون ویا منبری بود تا مسلمانان بدان وسیله به صورت رسمی در جریان حیات روزمره مسلمانان و اسلام قرار بگیرند. به مرور با گسترش حاکمیت اسلامی در سرزمین عربستان و گسترش بعدی آن در سراسر جهان شناخته شده آروز، از آن جایی که اکثر حکام و فرمانروایان اعزامی به مناطق مفتوحه از مسلمانان صدر اسلام بودند و به همان اساس بیشتر از بقیه مردم با اسلام به مثابه یک دیانت آشنائی داشتند، ضمن آن که پیش نماز محل تحت حاکمیت شان بودند خطبه نماز جمعه را خود ایراد می نمودند.

در ختم خطبه اتحاف دعای خیر و استدعای طول عمر و موفقیت برای "خلیفه ویا امیر، شاه و حتا رؤسای جمهور" بیانگر اطاعت بی چون وچرای آن منطقه از "خلیفه ویا" به شمار رفته به مثابه تجدید بیعت به شمار می رفت. ذکر نام "خلیفه یا ..." در خطبه نماز جمعه از چنان اهمیتی برخوردار بود که وقتی حاکمی می خواست بغاوتش را در مقابل "خلیفه یا ..." اعلام بدارد، از تذکار اسم وی خودداری می نمود. چنانچه "طاهر فوشنجی" زمانی که خواست استقلال خراسان را از خلافت بغداد اعلام بدارد، در نماز جمعه از بردن نام خلیفه و دعای خیر به وی خودداری نمود. هر چند "طاهر فوشنجی" در ختم همان روز به صورت مرموزی مسموم و به مرگ سوق داده شد و فرزندش در هفته بعد مجدداً اسم "خلیفه" را در خطبه های روز جمعه ذکر نمود، با آنهم اکثر مؤرخان نخستین روز حاکمیت های مستقل خراسانی را بر مبنای همان خطبه تاریخی "طاهر" قید صفحات تاریخ نموده اند.

۲- بادر نظر داشت اهمیت خطبه نماز جمعه و ذکر "خلیفه، امیر المؤمنین و یا شاه و حتا رؤسای جمهور" در آن که مساوی با تجدید بیعت خطیب، مستمعان و نمازگزاران می باشد، و غیر مستقیم به معنای اذعان به قدرت و حاکمیت مطلق "زامامدار" می باشد، حاکمیت ها در کشور های اسلامی همیشه کوشیده اند تا کسانی را به حیث پیشنهاد "نماز جمعه" و "خطیب" آن مقرر بدارند که از یک سو بیشترین اعتماد را به سرسپردگی آنها داشته باشند و از جانب دیگر فرد مذکور بتواند سیاست های رسمی حاکمیت را تبلیغ و اذهان را برای پذیرش آن مساعد بسازد.

این نکته ایجاب می نماید تا تمام خطیب ها از طرف مرکز مقرر و سبک کار و سخنرانی های شان با حاکمیت هماهنگ باشد. هرگاه در کدام منطقه ای مسجدی تازه جهت ادای نماز جمعه اعمار گردد، ملا امام همچو مساجدی در دروس خود خوانده اند که وقتی امام نماز جمعه می شوند، می باید در خطبه از "خلیفه..." یاد نمایند.

۳- برگردیم به "گلبدین" و خطبه هایش در روز های جمعه:

وقتی بعد از حدود نیم قرن روابط مخفی بین "گلبدین" و امپریالیسم امریکا و "سیا"، امپریالیسم امریکا برای حقانیت بخشیدن و ماسک مذهبی گذاشتن بر چهره آلوده حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" مجبور شد، روابطش را با "گلبدین" علنی ساخته وی را با اعزاز و اکرام به کابل بیاورد و ضمن سپردن یک قصر شاهانه و تقبل مصارف چند میلیون دالری ماهوار و سالانه اش مسجدی را به وی بسپارند تا روزهای جمعه با ایراد خطبه هائی، عملاً سرسپردگی و اطاعتش را از حاکمیت مستعمراتی، دست نشانده و پوشالی "غنی احمدزی" اعلام بدارد، "گلبدین" دارای مسجد خاص خودش و محل مستقلی جهت ایراد خطبه هایش گردید.

این روند تا زمانی که حاکمیت پوشالی "غنی احمدزی" وجود داشت نه از لحاظ شرعی مشکلی داشت و نه هم از لحاظ سیاسی در آن اشکالی دیده می شد. "گلبدین" طبق موافقاتی که با امپریالیسم امریکا بسته بود، منهای حمله بر حاکمیت مستعمراتی و دعوت از مردم به مبارزه مسلحانه علیه حاکمیت دیگر "هرچه دل تنگش داشت" می گفت و کسی هم به گفته هایش اهمیت تره و ملی هم نمی داد.

این روند زمانی که طالب به قدرت گماشته شد و نظام ملاسالار به وجود آمد، از اساس تغییر خورد. زیرا با سلطه طالب، حاکمیت دیگر به تفاله هائی از قماش "گلبدین" جهت آرایش رخسارش به مذهب نیاز نداشت و می بایست در همان آغاز جلو صحبت های بی ربط و خودسرانه "گلبدین" را می گرفتند که در چند مورد هم گرفتند.

آنچه تا حال صورت نگرفته بود به علت خصومت شخصی بین شخص "ملا هیبت الله" با "گلبدین" که وی را خواهر و مادر دشنام داده بیشتر از ده ها بار "گلبدین" را مفعول گفته است، "گلبدین" تا حال در خطبه هایش از وی مشخصاً نام نبرده است. اینک که به اساس دستور وزارت ارشاد نظام ملاسالار ذکر نام "امیر غایب" زیر نام "مستحب" اجباری شده است، دیده شود که "گلبدین" چه خواهد کرد. آیا باز هم از ذکر نامش امتناع خواهد ورزید و یا به مانند کرنش قبلی اش مقابل "غنی احمدزی"، بار دیگر کرنش نشان داده برای حفظ کرسی خطیب نماز جمعه، برای بقای عمر و تزئید موفقیت های "ملا هیبت الله" نیز زوزه خواهد کشید. با شناختی که از گذشته "گلبدین" داریم، همان طور که زیر پای "کرینکار" افتاده بود، زیر پای "ملا هیبت الله" نیز خواهد افتید.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!